

گاهنامه شورای همراهی

همراهی با آترناتیو کارگری در ایران

shorayehamrahi@gmail.com



شماره 3 بهمن 1400



تنها آترناتیو کارگری میتواند منافع کل جامعه را تامین کند! طبقه در مقابل طبقه!

یاد کارگران جانباخته خاتون آباد گرامی باد!

**خاتون آباد،
آغاز یک سرفصل
در مبارزات
طبقه کارگر ایران**

یکشنبه 23 ژانویه 2022 – 3 بهمن 1400
ساعت 18.30 بوقت اروپای مرکزی، به وقت ایران 21.00

Join آترناتیو
on کارگری
clubhouse

نهادهای همبستگی با جنبش کارگری در ایران
کارزار پشتیبانی از کارگران ایران
شورای همراهی با آترناتیو کارگری در ایران

تنها آلترناتیو کارگری میتواند منافع کل جامعه را تامین کند!

طبقه در مقابل طبقه!

اعتراضات، اعتصابات و خیزش های اعتراضی انعکاس بحران فراگیر اقتصادی - سیاسی و اجتماعی در ایران است که با خود مسئله آلترناتیو جایگزینی رژیم اسلامی را به همراه داشته است. دولت های با نفوذ در تعیین استراتژی جهانی سرمایه داری و انواع اپوزیسیون راست رژیم اسلامی، سیاست های عملی خود را با توجه به چنین شرایطی در چهارچوب حفظ مناسبات اقتصادی سرمایه داری تعیین کردند.

اپوزیسیون چپ رژیم اسلامی نیز در چنین شرایطی با رویکرد از شکاف عمیق جامعه با حکومت اسلامی بر مبنای استراتژی ضد رژیمی تغییر آرایش دادند و در جهت قطب اجتماعی چپ برآمدند. اپوزیسیون چپ هرچند بر خلاف اپوزیسیون راست، تغییر رژیم را از طریق انقلاب جستجو می کند ولی فاقد ابزار لازم برای تغییر انقلابی در جامعه است. تنها آلترناتیو اجتماعی که منافعی نه در چهارچوب مناسبات موجود بلکه در تغییر پایه ای آن ممکن میگردد، طبقه کارگر است. طبقه کارگر نه آحاد عددی کارگران، بلکه کارگرانی است که به صورت طبقه متشکل شده اند و با درهم شکستن مناسبات سرمایه داری، فارغ از نوع دولتی سیاسی که آن را نمایندگی می کند، آلترناتیو کارگری که آلترناتیو کل جامعه است را عملی خواهد کرد. قطع پایه آلترناتیو کارگری تشکل ها و نهادهای اجتماعی شکل گرفته از درون مبارزه ضد سرمایه داری است. چنانچه سازماندهی این امر حیاتی در دستورفوری طبقه کارگر قرار نگیرد هیچ گونه تغییر پایه ای در جامعه عملی نخواهد شد. در حال حاضر، روند عینی برای میسر کردن چنین شرایطی در ایران فراهم است.

جامعه ایران دست خوش تحولات عظیمی است. بیش از چهارده دهه حاکمیت سیاه نظام سرمایه داری اسلامی در ایران به جایی رسیده است که دیگر هیچکدام از شگردهایش کارساز نیست. اعتصابات، اعتراضات و تجمعات وسیع اجتماعی امری روزمره شده است. برنامه های اقتصادی، سیاسی و اجتماعی سرمایه داران حاکم در ایران را به ثروتهای نجومی رسانیده و اکثریت جامعه را تهی دست تر و فقیرتر نموده است. طبقه سرمایه دار با دولت استبدادی اش، سیاست ارزان کردن نیروی کار، خصوصی سازیها، تبدیل شدن کامل قانون کار به نفع صاحبان سرمایه، نبود امنیت شغلی، بیکاری و بی حقوقی مطلق را حاکم نموده است. طبقه سرمایه دار با استفاده از قدرت سیاسی، تمامی منابع و ثروت جامعه را که حاصل تلاش طبقه کارگر است، در اختیار گرفته و کارگران یعنی صاحبان اصلی و تولید کنندگان را از هرگونه حقوق و امکانات محروم ساخته است.

با تمامی سختی ها و سرکوبهای حاکم در جامعه سرمایه داری ایران، کارگران و دیگر اقشار جامعه هیچگاه ساکت نبوده و به اشکال متنوعی اعتراضات و مبارزات خود را با پرداخت هزینه های زیاد به پیش برده اند و نگذاشته اند که طبقه سرمایه دار حاکم، خواب راحتی در طول این سالها داشته باشند. کارگران با اعتصابات و اعتراضات تعطیل ناپذیر خود، موفق شدند در اوایل دهه 80 دو تشکل مستقل خود را در جامعه ای که حق تشکل و اعتصاب و اعتراض با خطرات جانی روبرو است، ایجاد کنند که این امر باعث شد که دیگر اقشار جامعه نیز به میدان آمده و کانونها، نهادها و انجمن های خود را ایجاد نمایند.

شرایط بحرانی حاضر، که ناشی از تکامل عینی روندهای عمیق اقتصادی و سیاسی و اجتماعی هستند، تغییرات بنیادی را می طلبد. آنچه باعث میشود طبقه کارگر به مثابه نیروی تعیین کننده در مبارزه برای تغییر ساختار اقتصادی باشد، در نقش تاریخی اش ریشه دارد. طبقه کارگر بمثابه گورکن واقعی نظام طبقاتی، رسالت تاریخی عبور از نظام سرمایه داری را بر دوش دارد.

طبقه کارگر بعنوان یکی از طبقات اصلی جامعه، با حضور سیاسی خود میتواند در مقابل طبقه سرمایه دار حاکم، بعنوان یک نیروی مستقل طبقاتی قدم کند تا بتواند کل جامعه را از ستم، استثمار و تبعیض رها سازد. این امر ضرورت ایجاد تشکل های مستقل در محیط کار و زندگی را دوچندان کرده تا بتواند برای ایجاد اتحاد سراسری بین تشکل های مستقل کارگری گام بردارد و بعنوان آلترناتیو آتی با حضور و دخالت جمعی، جامعه را اداره و مدیریت کند.

محورهای آلترناتیو کارگری چیست؟

آلترناتیو کارگری معیشت همگان و تضمین یک زندگی درخور انسان و نیز برخورداری از امکانات رایگان درمان و آموزش برای همگان را تامین میکند.

آلترناتیو کارگری تبعیض و نابرابری حقوق زنان و خشونت علیه آنان را کاملن ممنوع و متوقف میکند. در آلترناتیو کارگری هر گونه ستم و تبعیض انسانهای مختلف ساکن ایران ملغی گردیده و همچنین مهاجرین از حقوق برابر در تمامی شئون زندگی برخوردارند. آلترناتیو کارگری زندان و شکنجه را برمی چیند، اعدام را لغو میکند.

آلترناتیو کارگری برخورداری آحاد جامعه از تمامی امکانات در راستای شرکت و دخالتگری در تعیین سرنوشت و نیازهای اجتماعی را با حضور جمعی تسهیل و امکان پذیر میکند.

آلترناتیو کارگری جامعه ای است که هیچ کس در حاشیه نیست و تمامی امتیازات ویژه که مبنای تبعیض آمیز دارند را از بین میبرد.

آلترناتیو کارگری با تمامی آحاد جامعه، با هر اندیشه و عقیده ای، خارج از ملیت، جنسیت، مذهب و زبان، در اداره کشور و سرنوشت جامعه دخالتگر، تصمیم گیرنده و اجرا کننده خواهد بود.

آلترناتیو کارگری با حضور مستقیم و دائمی شهروندان پی ریزی می شود تا بتواند جامعه ای سالم و شایسته ایجاد کند و فقر و بی خانمانی را از میان بردارد. کار کودکان را لغو کرده و به بی مسکنی و بی خانه مانی پایان میدهد.

ایجاد جامعه ای که داشتن نان و آزادی، رفاه و آبادی، شادی و شکوفایی از ابتدایی ترین حقوق آن برشمرده می شود، که به دست خود شهروندان ایجاد خواهد گردید. از محیط زیست به بهترین شکل نگهداری میکند و شرایط مناسب برای تمامی موجودات زنده ایجاد میکند. احترام به طبیعت و وظیفه یک جامعه انسانی است. جامعه ای که افراد و توانایی های آنها شکوفا می شوند.

در آلترناتیو کارگری، قانون گذاران خود شهروندان هستند و خود مجری آن خواهند بود!

در خارج کشور به گسترش هر چه بیشتر آلترناتیو کارگری در ایران یاری رسانیم.

1. گردهمایی عمومی برای شور و مشورت در مورد استراتژی آلترناتیو کارگری و مبارزات طبقه کارگر در ایران
2. همکاری و همراهی با دیگر نهادها و تشکل های طرفدار جنبش کارگری برای فائق آمدن به پراکندگی و گسترش فعالیت ها در جهت تقویت آلترناتیو کارگری در ایران
3. ترجمه اخبار و گزارشات اعتراضات و مبارزات در ایران به زبانهای مختلف در خدمت گسترش جلب همبستگی بین المللی با مبارزات طبقه کارگر در ایران
4. ترجمه و انتقال تجارب مبارزاتی طبقه کارگر جهانی برای استفاده طبقه کارگر در ایران
5. ارتباط با فعالین و مدافعین طبقه کارگر، سازماندهی جمع های شهری و کشوری و برگزاری فعالیتهای عملی و حمایت از مبارزات طبقه کارگر در سطح بین المللی

مؤثرای همراهی با آلترناتیو کارگری در ایران

shorayehamrahi@gmail.com

ژانویه 2022 – بهمن 1400

اهمیت مبارزه معدنچیان در خاتون آباد شهرک بابک

یاد کارگران جانباخته گرامی باد!

4 بهمن، سالگرد کشتار کارگران خاتون آباد بدست رژیم سرمایه داری اسلامی است. جمهوری اسلامی در دهه شصت با استفاده از جنگ و کشتار دستجمعی زندانیان، شرایط برای ادامه طرح و اجرای سیاست های جهانی اقتصاد سرمایه داری در ایران را فراهم کرد. با استفاده از نیروی سرکوبگر و ممنوعیت تشکل و تجمع، فقر و فلاکت را بمرور برزندگی و زیست آحاد جامعه بویژه کارگران، حاکم کرده است. در برابر اجرای سیاست های نئولیبرالی در ایران، اعتراضات کارگری در جهت تامین امنیت شغلی و علیه بیکارسازی و قراردادهای موقت و نیز طلب دستمزدهای معوقه بشکل راهپیمایی و تظاهرات در خیابان ها شروع شد. کارگران صنایع نساجی و ریسندگی در شهرهایی که کارخانجات در معرض بسته شدن و اخراج دستجمعی کارگران بود، دست به اعتراض زدند.

در سال 82 کارگران معدن مس سرچشمه خاتون آباد در استان کرمان طی چند روز اعتراض، برای تامین امنیت شغلی و لغو قرارداد موقت، در روز 4 بهمن با خانواده هایشان بطرف فرمانداری شهر بابک راهپیمایی کردند که از زمین و هوا مورد حمله نیروهای نظامی رژیم قرار گرفتند و تعدادی زخمی و 5 نفر جانباختند. رژیم اسلامی رانت خوار و دولت هایش از رفسنجانی تا رئیسی، زیر سرنیزه، دستگیری، زندان، شکنجه، کشتار، اعدام و ترور، تمامی منابع و مراکز سوددهی را در اختیار افراد و نهادها و مراکز خود قرارداد که آنها در عین حال در کسب سود بیشتر و نیز غارت منابع از همدیگر سبقت گرفتند. ایجاد شرایط بردگی، نیروی کار ارزان و خاموش کردن اعتراضات، هدف اولیه کل رژیم و جناح بندی های آن را تشکیل داده است. تامین امنیت شغلی و لغو قرارداد موقت که خواست معدنچیان خاتون آباد بود با سیاست های سرمایه داری و دولت نئولیبرال سازگار نبود، رژیم کارگران را به گلوله بست تا صدای آنها را خاموش کند.

اما مبارزات کارگران از دهه هشتاد شمسی تاکنون هر روزه گسترش داشته و حتی در دوران پاندمی کرونا (کووید 19) نیز کاهش پیدا نکرده است. این مبارزات با وجود سرکوب و دستگیری و زندانی کردن کارگران و ممنوعیت تجمع و تشکل یابی توانست از سد استبداد عبور کرده و به تشکل یابی و سازماندهی اعتراضات بیانجامد. بازسازی دو سندیکای واحد و هفت تپه، ایجاد شورای هماهنگی تشکل های صنفی فرهنگیان ایران، مبارزه جمعی به صورت اعتصاب و راهپیمایی و بالاخره تجمعات و خیزش های دی 96

و آبان 98 وخیزش بی آبی در خوزستان و اصفهان از نتایج چنین شرایط مبارزاتی بوده است. کارگران در بخش های مختلف معادن، حمل و نقل، کشت و صنعت نیشکر، ماشین سازی ها، فولاد، نفت و گاز و پتروشیمی، شهرداری ها و بیمارستانها، مراکز آموزشی و بازنشستگان به اشکال مختلف بر علیه سیاست های خصوصی سازی، تامین امنیت شغلی و لغو قراردادهای موقت، افزایش دستمزد، تامین ایمنی شرایط کار، پرداخت مزدهای معوقه، بازگشت بکار همکاران اخراجی و آزادی کارگران زندانی به انواع مختلف اقدام به سازماندهی، اعتراض و تجمع و اعتصاب کرده اند. در ایران، در کنار منابع نفت و گاز، حجم عظیمی را معادن تشکیل می دهند که طبق آمار رسمی 20 درصد یعنی یک پنجم از تولید ناخالص ملی را تامین می کنند. معدنچیان در شرایط بسیار سختی بکار مشغول هستند و بیشترین سوانح کار در معادن روی می دهد. آمار رسمی سال 98 حاکی از این است که تعداد 45 معدنچی بخاطر عدم ایمنی محیط کار جان خود را از دست دادند.

اعتراض کارگران معادن، که شروع آن با راهپیمایی کارگران معدن مس سرچشمه بر علیه سیاست های نئولیبرالی در ایران رقم خورد، بخش عظیمی از اعتراضات کارگری تا به امروز را بخود اختصاص داده است. معادن آق دره، چادرملو، بافق، یورت، سونگون و رزقان و ... از جمله معادنی بوده اند که کارگران در آن به اعتصاب دست زدند و مطالبات خود را اعلام کردند. در اعتراض ها و اعتصابات معدنچیان، همچون ماشین سازی ها و نفت و گاز و پتروشیمی، اگرچه کارگران بطور دستجمعی در آن شرکت کردند و با هم سازماندهی کردند، ولی کماکان کارگران فاقد تشکل های علنی و نیز امکان برگزیدن نماینده های انتخابی خود در مقابل کارفرماها هستند. تجربه ای که کارگران شرکت واحد و نیز کارگران نیشکر هفت تپه با اتکا به تشکل های خود از سر گذرانده اند. اعتصابات معلمان در اوایل دی ماه 1400 که با سازماندهی شورای هماهنگی تشکل های صنفی معلمان ایران، تجمع های سراسری برگزار کردند و نمایندگان معلمان مطالبات خود را با صدای رسا اعلام کردند و توجه و همبستگی اقشار مختلف را بدست آوردند.

امروز ما شاهد یک تحول بزرگ تاریخی هستیم. پرچم ژنده "سازندگی و اصلاحات" ساختاری سرمایه داری که علیه معدنچیان خاتون آباد بلند شده بود، توسط کارگران به زیر کشیده شده است. بخش عظیمی از کارگران، معلمان، بازنشستگان، پرستاران، بیکاران، دانش آموزان و دانشجویان علیه این پرچم ژنده بپا خاسته اند. امروز دیگر خاتون آباد تنها نیست، خود آغازگر مبارزاتی است که همچنان ادامه دارد.

در شرایطی که رژیم اسلامی و سرمایه داران جهانی منابع جامعه را غارت کرده اند و سودهای نجومی حاصل نیروی کار در ایران را به جیب زده اند، کارگران و توده های ستمدیده که در فقر و فلاکت بسر می برند چاره ای به جز اعتراض و مبارزه نداشته و کماکان به اعتراض دستجمعی دست خواهند زد. اما طبق تجربه، لازمه تبدیل شدن این مبارزات بیک جنبش عظیم اجتماعی، با طرح خواست های روشن و سازماندهی مبارزات با اتکا به تشکل ها و اتحاد سراسری آنها خواهد بود. درچنین شرایطی کارگران به عنوان یک طبقه اجتماعی قادر خواهند بود، مطالبات عموم جامعه همچون بهداشت و درمان رایگان، آموزش و حق تدریس رایگان و تامین معیشت و رفاه و آزادی همگانی را تحقق بخشند.

یاد کارگران جانباخته خاتون آباد گرامی باد!

دی 1400 - ژانویه 2022

شورای همراهی با آلترناتیو کارگری در ایران

آلترناتیو سوسیالیستی ایران - لندن

کانون همبستگی با کارگران ایران - کانادا

حامیان مادران پارک لاله - استکهلم

کانون همبستگی با مبارزات کارگران ایران - فرانکفورت

انجمن سوسیالیستها در سوئد

شورای هماهنگی علیه کشتار در ایران (فریاد خاوران)

کمیته همبستگی کارگران ایران و سوئد

انجمن کارگری جمال چراغ ویسی

جمعی از فعالان اجتماعی - سیاسی و پناهندگان - گوتنبرگ - سوئد

کمیته همبستگی با جنبش کارگری ایران - استرالیا

شورای همبستگی ایرانیان با روژاوا در استکهلم

نهاد همبستگی با جنبش کارگری در ایران - غرب آلمان

کانون همبستگی با کارگران ایران - گوتنبرگ

انجمن پناهندگان ایرانی - گوتنبرگ / سوئد

اتحاد چپ ایرانیان - واشنگتن

نهادهای همبستگی با جنبش کارگری در ایران - خارج کشور

بکتاش آبتین، شاعر، فیلمساز، نویسنده و عضو کانون نویسندگان ایران بقتل رسید!

در دومین سالگرد کشتار عمدی و جمعی مسافران پرواز 752 اوکرائینی با پدافند سپاه، امروز جنایتکاران نظام اسلامی فاجعه تازه ای آفریدند. بکتاش آبتین، شاعر، فیلمساز، نویسنده و عضو کانون نویسندگان ایران بخاطر عدم توجه مقامات رژیم و تاخیر در اعزام به بیمارستان جهت درمان فوری بیماری کرونا درگذشت. "جرم" بکتاش آبتین دفاع از آزادی بدون حصر و استتار بود که چون سه هموند دیگرش بازداشت و در زندان به کرونا مبتلا شده بود. سعیدی سیرجانی، سعید سلطانپور، محمد مختاری، جعفر پوینده و بسیاری از نویسندگان دیگر نیز در این رژیم جهل و جنایت کشته شده اند.

همانگونه که کانون نویسندگان در بیانیه مطبوعاتی خویش نوشته ما نیز نگران جان سه عضو دیگر کانون و همه زندانیان سیاسی عقیدتی هستیم و بویژه زندانیانی که امروز در اعتراض به قتل بکتاش آبتین در بند 8 اوین فریاد "مرگ بر دیکتاتور" سردادند:

"کانون نویسندگان ایران همچنان نگران سلامت سه عضو زندانی خود، رضا خندان مهابادی، که هم اکنون با بیماری کرونا دست و پنجه نرم می‌کند، کیوان باژن و آرش گنجی و همه زندانیان سیاسی و عقیدتی است و بیم آن دارد که هر آینه با تداوم سیاست‌های جنایتکارانه، فاجعه‌ای دیگر به بار آید.

کانون نویسندگان ایران با ابراز تسلیت قتل بکتاش آبتین به خانواده، یاران او در کانون نویسندگان ایران، و جامعه مستقل فرهنگی کشور و اعلام تعهد به ادامه‌ی راه او در مبارزه با سانسور و دفاع از آزادی اندیشه و بیان بی‌هیچ حصر و استتار در مراسم بدرقه و خاکسپاری او در کنار خانواده‌اش خواهد بود."

در بیش از چهار دهه مردم ما از سرکوب سیستماتیک حکومت آسیب‌های جدی دیده‌اند. تاکنون بسیاری از معترضین به وضع موجود و کسانی که سلطه سیاهی و تباهی را به چالش میکشیدند، جان‌شان را بر سر دفاع از آزادی و برابری گذاشتند. در این مبارزات طولانی، کارگران و زحمتکشان، زنان، دانشجویان و تمامی اقشاری که آزاد زیستن را پاس می‌داشتند برای هزینه سنگینی پرداختند. کارنامه خونین رژیم حاکی از اعدام هزاران تن زندانی سیاسی، قتل و ترور نویسندگان، قتل زندانیان در زیر شکنجه و ... است. بکتاش آبتین؛ فضیلت‌پایداری و مبارزه را آن "حلقه مفقوده" "در جامعه معاصر ما" تعریف می‌کرد. عنصر مقاومتی که بقول او نشان از عزم و جزم تغییر وضعیت موجود را دارد باشد که این جویبارهای مبارزه به هم برسند و سیلابی شود و رژیم کشتار و تبعیض را بروید و پرچم آزادی و برابری را افراشته گرداند.

در ضمن در مراسم خاکسپاری بکتاش آبتین که زیر فشار و کنترل نیروهای امنیتی، امروز در امامزاده عبدالله شهر ری برگزار شد، شرکت کنندگان شعار درود بر آبتین، مرگ بر ظالمین آبتین، زنده است، راه او پاینده است این شاعر آزاده، کاپوس این بیداده را سر دادند.

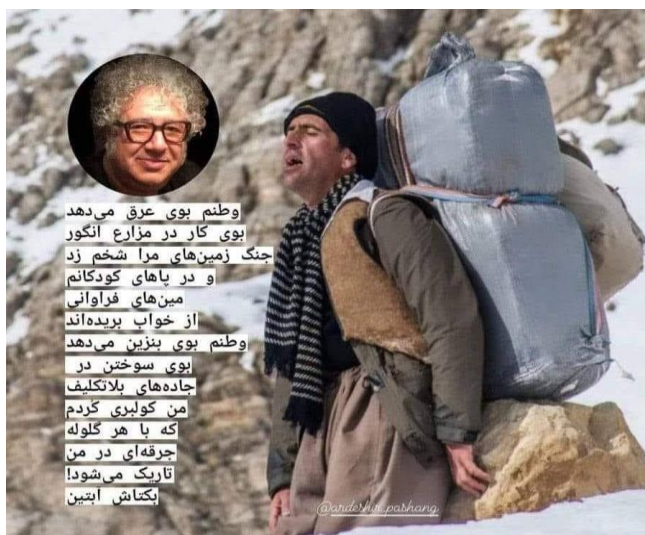
زنده باد آزادی، دمکراسی و برابری!
زندانی سیاسی آزاد باید گردد!
سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی ایران!

9 ژانویه 2022 برابر با 19 دی 1400

اسامی نهادهای امضاکننده به ترتیب حروف الفبا :

- 1- اتحاد نیروهای دموکراتیک ایرانی - سوئیس
- 2- آلترناتیو سوسیالیستی ایران - لندن
- 3- انجمن دفاع از زندانیان سیاسی - عقیدتی - پاریس
- 4- انجمن پناهندگان ایرانی گوتنبرگ- سوئد
- 5- انجمن سوسیالیستها در سوئد
- 6- جمعی از فعالان اجتماعی- سیاسی و پناهندگان - گوتنبرگ- سوئد
- 7- حامیان مادران پارک لاله- استکهلم
- 8- شورای هماهنگی علیه کشتار جمهوری اسلامی- فریاد خاوران
- 9- شورای همبستگی با مبارزات مردم ایران - لندن
- 10- شورای همراهی با آلترناتیو کارگری در ایران
- 11- شورای همبستگی ایرانیان با روژاوا- استکهلم
- 12- فدراسیون اروپا - بلژیک
- 13- کانون کنشگران دموکرات و سوسیالیست هانوفر- آلمان
- 14- کانون پناهندگان سیاسی ایران- برلین
- 15- کانون پشتیبانی از مبارزات مردم ایران- وین
- 16- کانون همبستگی با کارگران ایران- گوتنبرگ
- 17- کانون نقد و گفتگو لس آنجلس
- 18- کمیته همبستگی با مبارزات مردم ایران- فرانکفورت
- 19- کمیته دفاع از مبارزات مردم ایران- سوئیس
- 20- کمیته دفاع از زندانیان سیاسی ایران- برلین
- 21- کمیته همبستگی کارگران ایران و سوئد
- 22- کانون همبستگی با مبارزات کارگران در ایران - فرانکفورت
- 23- کانون همبستگی با کارگران در ایران - کانادا
- 24- کمیته همبستگی با جنبش کارگری ایران - استرالیا
- 25- همبستگی با مبارزات مردم ایران- سوئیس
- 26- همبستگی سوسیالیستی با کارگران ایران- پاریس
- 27- همبستگی برای حقوق بشر در ایران (کلگری)

آدرس تماس: chapvademocrat@gmail.com



وطنم بوی عرق می‌دهد
بوی کار در مزارع انگور
جنگ زمین‌های مرا شخم زد
و در باهای کودانم
مین‌های فراوانی
از خواب پریده‌اند
وطنم بوی بنزین می‌دهد
بوی سوختن در
جاده‌های پلاستیک
من کولبری کردم
که با هر کوله
جرقه‌ای در من
تاریک می‌شود!
بکناش آبتین

بکناش آبتین: " ما چیزی که کم داریم
اینه که یه سری آدم واستن مبارزه
کنن، واستن حقشونو بخوان، واستن
و پایداری کنن.
فضیلت مبارزه و ایستادگی حلقه‌ای
مفقوده‌ی معاصر کشورمنه.
بدین ترتیب دوست دارم که همین
امروز در جوانی با اقتدار جان شیرینم
رو فدا کنم برای آزادی."



زندانیان اعتصابی در اعتراض به قتل تبهارانه بکتاش آبتین

با سلام و تشکر از همبندیان، هموطنان و دوستانی که نگران وضعیت ما متحصنین و اعتصاب غذاکنندگان زندان اوین هستند،

به اطلاع می‌رسانیم که آقایان حمید حاج جعفر کاشانی، علی اصغر حسینی‌راد و محمود علی‌نقی را به بهانه درمان از جمع ما ربودند و به مکان‌های نامعلومی منتقل کردند. لذا بخاطر رفع نگرانی دوستان و جلوگیری از تکرار نقشه دشمنان که همان ربودن اعتصاب‌کنندگان می‌باشد، تا رسیدن به هدفمان که پاسخگویی و قبول مسئولیت مقامات قضایی در مرگ زنده یاد بکتاش آبتین هست، اعتصاب غذای خود را از حالت خشک به تر تبدیل می‌کنیم.

صادق امیدی، پیمان پورداد، معین حاجی‌زاده و مهدی دارینی

یکشنبه، ۲۶ دی‌ماه ۱۴۰۰، بند ۸ زندان اوین

نامه ی سرکشاده یک بازنشسته

من اسماعیل گرامی کارگر بازنشسته کارخانه ی کارتن سازی که خواهان افزایش حقوق خود و دیگر بازنشستگان طبق قانون بوده و درتجمعات قانونی بازنشستگان شرکت کرده ام ، با قوانین جمهوری اسلامی ایران مجرم شناخته شده و محکوم به ۴ سال حبس شده ام و هم اکنون مدت ۹ ماه است که در " زندان تهران بزرگ " بسر می برم.

درکجای دنیا یک فرد بازنشسته با ۶۶ سال سن و بیماری های صرع ، پروستات ، کمردرد و دندان دردهای پی درپی فقط به خاطر اعتراض به عدم پرداخت حقوق خود و شرکت درتجمعات مجرم شناخته شده و به حبس محکوم می گردد؟

حکومت جمهوری اسلامی ایران درحالی با یک بازنشسته چنین برخوردی می کند که ادعای رعایت حقوق بشرش گوش جهانیان را کر کرده است.

" زندان تهران بزرگ " که در آن محبوس هستم نمونه ای از زندان های ایران است که آب آشامیدنی ندارد و زندانی باید خود خریداری نماید. حتی از نظر مواد غذایی دارای کیفیت بسیار پایین است ! که درمواردی زندانی خود مجبور به خرید مواد و طبخ آن است.

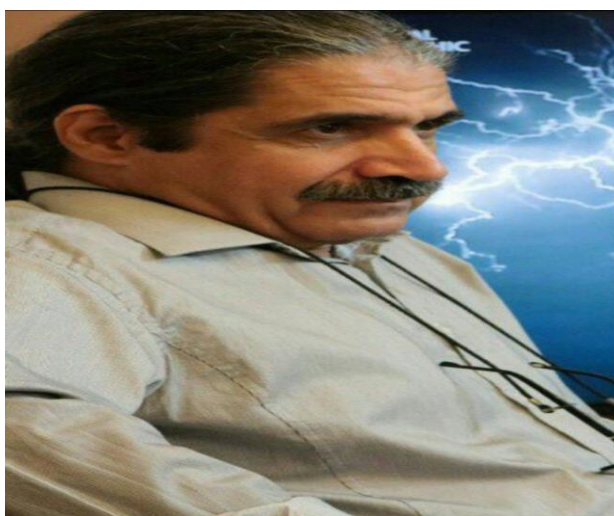
در " زندان تهران بزرگ " حتی آب گرم مناسب برای استحمام وجود ندارد.

من اسماعیل گرامی صدایی از بازنشستگان بودم و از تمامی بازنشستگان ، همکاران ، دوستان ، و آشنایان انتظار دارم صدای من باشند و این نامه را به هر زبانی که برایشان مقدور است ترجمه کرده و آن را برای سندیکاها و اتحادیه های کارگری کشورهای مختلف و همچنین سازمان حقوق بشر ارسال نمایند تا جهانیان بدانند که ادعای رعایت حقوق بشر حکومت جمهوری اسلامی ایران دروغی بیش نیست.

اسماعیل گرامی _ کارگر بازنشسته

زندان تهران بزرگ

۱۴۰۰/۱۰/۰۶ برابر ۲۷ دسامبر ۲۰۲۱



پرونده سازی جدید برای اسماعیل گرامی و شاپور احسانی راد
دو کارگر بازنشسته زندانی ازسوی رئیس زندان تهران بزرگ

سندیکای کارگران شرکت واحد احضار ده‌ها تن از کارگران به پلیس امنیت برای تهدید و ارباب و ممانعت از اعتراض شنبه ۲۸ دی را محکوم می‌کند!

طی دو روز گذشته ده‌ها تن از کارگران شرکت واحد تلفنی به مرکز پلیس امنیت تهران احضار شده‌اند. کارگران در تلفن پلیس امنیت که با سرشماره +9821218 انجام شده است تهدید شده‌اند که نباید در اعتراض شنبه ۲۸ دی "روشن کردن چراغ اتوبوس و حرکت با سرعت ۳۰ کیلومتر و تجمع کارگران تعمیرگاه و توقفگاه در مقابل دفاتر مدیریت در سامانه‌ها" شرکت کنند.

البته بسیاری از کارگران به درستی در پاسخ به تلفن پلیس اعلام کرده‌اند که پلیس قانوناً نمی‌تواند کسی را احضار کند و مقام قضایی باید بصورت مکتوب احضاریه بفرستد. اما تعدادی از کارگران پس از احضار تلفنی با ترغیب و ایجاد هراس عوامل مدیریت به مرکز پلیس امنیت مراجعه کرده‌اند که با تهدید بیشتر مواجه شده‌اند.

همکاران گرامی

اعتراض و اعتصاب حق مسلم کارگران برای رسیدن به حقوق‌شان هست و باید در برابر ایجاد ارباب برای ممانعت از شرکت در اعتراضات مقاومت کرد. این حق ماست که از مدیریت ناکارآمد بخواهیم که بازنگری طرح طبقه‌بندی مشاغل که سال‌هاست معوق شده است را فوری اجراء کند و دیگر مطالبات معوق کارگران را پرداخت نماید. باید همبستگی داشته باشیم و از مدیریت بخواهیم تا کارگران اخراج از کار سندیکایی که برای دفاع از حق همه کارگران فراقانونی از کار اخراج شده‌اند، شاغل گردند. پلیس چرا باید همیشه کارگران را تهدید کند؟ اگر بنا باشد پلیس به کارفرما کمک کند که حق کارگران را پرداخت نکنند. کارگران هم با اتحاد و همبستگی و برگزاری اعتراضات از حق خودشان دفاع می‌کنند.

سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه هماهنگی پلیس با حراست و مدیریت شرکت واحد و ایجاد ارباب برای ممانعت از اعتراض حق‌طلبانه کارگران را محکوم می‌کند و از کارگران می‌خواهد با احضار تلفنی به مقر پلیس مراجعه نکنند و با همبستگی و اتحاد در اعتراض روز شنبه ۲۸ دی شرکت و از حق خود دفاع کنند.

چاره رنجبران وحدت و تشکیلات است

۱۵ دی ۱۴۰۰

سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه

حمایت از اعتراض کارگران شرکت واحد وظیفه طبقاتی ماست!

در تداوم اعتراضات به عدم اجرای بازنگری طبقه‌بندی مشاغل و عدم پرداخت مطالبات معوق، کارگران شرکت واحد شنبه هیجده دی با چراغ روشن و سرعت سی کیلومتر حرکت میکنند و دیگر کارگران در توقفگاه‌ها در حمایت از رانندگان ساعت ده صبح جلوی دفتر مدیریت تجمع خواهند کرد. ترس و وحشت حاکمان از اعتراض متشکل و مستقل کارگران برای حق و حقوق خود، آنها را به این واداشته است که ده‌ها تن از کارگران شرکت واحد را تلفنی به مرکز پلیس امنیت تهران احضار کنند تا بتوانند در مقابل اعتراض به حق کارگران اخلال ایجاد کنند. سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه ضمن محکوم کردن احضارها و تهدیدهای دولت حاکم، از اعتراض و خواسته‌های کارگران شرکت واحد دفاع کرده و خود را همراه سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه برای دفاع از حقوق کارگران میدانند. ایجاد تشکل‌های مستقل در محیط کار و اتحاد تشکل‌های مستقل، نیاز عاجل در مقابل ستم، استثمار، تبعیض و بی‌حقوقی کامل اکثریت جامعه است.

۱۵ دی/۱۴۰۰

سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه

بیانیه جمعی از سندیکاهای مستقل کارگری و دیگر تشکلات مستقل کارگری، بازنشستگان و معلمان در مورد تعیین مزد سال ۱۴۰۱

تداوم نبردی سخت و نابرابر برای تعیین حداقل مزد سال ۱۴۰۱

ماه‌ها و هفته‌های آخر هر سال زمان از سرگیری نبردی نابرابر، دشوار و حیاتی به منظور تعیین حداقل مزد و افزایش سطح عمومی دیگر مزدها برای سال آینده است. در یک سوی این نبرد میلیون‌ها کارگر زن و مرد در رشته‌های مختلف صنعت، خدمات و کشاورزی قرار دارند که خواستار مزدی درخور در مقابل فروش نیروی کار خود هستند، مزدی که پاسخگوی هزینه‌های روزافزون زندگی و تأمین کننده نیازهای فزاینده‌ی خود و خانواده‌هایشان باشد. در طرف دیگر این نبرد، سرمایه‌داران و دولت حامی آنها و عوامل وابسته به کارفرمایان و دولت که زیر عنوان دروغین «نمایندگان کارگران» در «شورای عالی کار» قرار دارند که به شیوه‌های مختلف می‌کوشند تا آنجا که ممکن است سطح مزدهای واقعی، یعنی قدرت خرید کارگران، را پایین نگاه دارند و سهم هرچه بیشتری از تولید اجتماعی کارگران را به تصاحب سرمایه در آورند.

در ایران طی بیش از ۴۰ سال شاهد کاهش شدید و مستمر قدرت خرید کارگران و در همان حال انباشت عظیم ثروت و سرمایه‌ی سرمایه‌داران و افزایش نجومی درآمد طبقات دارا به طور کلی بوده‌ایم. علت اصلی این شکاف وسیع و روزافزون طبقاتی، استثمار کار توسط سرمایه است که دستگاه‌های سیاسی، قضایی، اداری و انتظامی نظام سرمایه‌داری آنرا به پیش می‌برند. با توسل به اختناق و سرکوب از ایجاد تشکلات مستقل کارگری که لازمه دفاع از حقوق کارگران است جلوگیری می‌شود و برای اینکه اعتراضات کارگران کنترل شود، تشکلات کارگری فرمانبردار و عقیم مانند خانه کارگر، شوراهای اسلامی کار و حضور نمایندگان آنرا در شورای عالی کار پیش‌بینی و جایگزین کرده‌اند تا ضمن به تصویب رساندن تصمیمات ضدکارگری نهاد قدرت، سوپاپ اطمینانی برای آنها باشند.

مزد ساعتی کارگران در ایران جزء پایین‌ترین مزدها در جهان است. یک عامل مهم دیگر که زندگی کارگران و اکثریت ۹۵ درصدی مردم را به تباهی می‌کشد، تورم یعنی افزایش عمومی و مستمر قیمت‌ها، بویژه قیمت کالاها و خدمات مصرفی توده مردم است. عامل اصلی تورم در ایران، که اکثر اقتصاددانان و حتی برخی از مقامات رسمی نیز به آن اذعان دارند، سیاست‌های پولی و مالی دولت و عملکرد نظام حاکم در عرصه داخلی و خارجی است.

بر اساس آمارهای رسمی، طی ۴۲ سال گذشته شاخص بهای کالاها و خدمات مصرفی عمومی تقریباً ۲۵۰۰ برابر شده است! اگر صرفاً چند سال اخیر را در نظر بگیریم براساس داده‌های رسمی نرخ تورم در سال ۹۷، معادل ۳۱ و دو دهم درصد، در سال ۹۸، معادل ۴۱ و دو دهم درصد، و در سال ۹۹ معادل ۳۶ و چهار دهم درصد بوده است. رقم تورم سال ۱۴۰۰ هنوز اعلام نشده است اما طبق داده‌های مرکز آمار، نرخ تورم در مهر ۱۴۰۰ برابر ۴۵ و چهاردهم درصد و در آبان ماه ۱۴۰۰، برابر ۴۴ و چهاردهم درصد بوده است. بدین‌سان نرخ تورم رسمی برای سال ۱۴۰۰ رقمی در حدود ۴۵ درصد خواهد بود. در سال جاری افزایش قیمت مواد خوراکی و آشامیدنی از ۶۰ درصد هم بیشتر بود. هزینه مسکن بنا به اعتراف مقامات رسمی بیش از نیمی از درآمد خانوارهای فقیر و متوسط را می‌بلعد. نرخ تورم مورد انتظار در سال ۱۴۰۱ با توجه به سیاست‌های ارزی و پولی دولت، حداقل به ۴۰ تا ۵۰ درصد خواهد رسید.

به رغم این ارقام وحشتناک که در دنیا کم نظیرند، در لایحه بودجه سال ۱۴۰۱ میانگین افزایش اسمی حقوق کارکنان دولت معادل ۱۰ درصد در نظر گرفته شده است. سقف مزد حداقل ماهیانه چهار و نیم میلیون تومان منظور شده که به زحمت هزینه زندگی یک هفته خانوار متوسط را تأمین می‌کند. این سیاست دولت نه تنها دزدی نان از سفره میلیون‌ها کارگر زحمتکش شرکت‌های دولتی، دستگاه‌های آموزشی و بهداشت و درمان و دیگر مؤسسات عمومی است، بلکه در همان حال پیام و «سرمشقی» به

بخش خصوصی و همچنین به «شورای عالی کار» است که همین سیاست کاهش مطلق مزدهای واقعی را در مورد کارگران و کارمندان بخش خصوصی به کار گیرند! ما طی سال‌های گذشته سیاست کارفرمایان، دولت و کسانی را که به دروغ نام نماینده کارگران در «شورای عالی کار» بر خود نهاده‌اند و در واقع شریک جرم کارفرمایان و دولت در وخامت روزافزون زندگی کارگران هستند، نقد و افشا کرده‌ایم.

ما همچنین در سال‌های گذشته معیار و مبنایی برای حداقل مزد پیشنهاد کرده‌ایم که مورد تأیید و پشتیبانی شمار فزاینده‌ای از تشکل‌های کارگری و مدافعان طبقه کارگر قرار گرفته است. از دید ما حداقل مزد کارگران در سراسر کشور نباید از میانگین هزینه خانوار در کشور پایین‌تر باشد. براساس چنین معیاری ما در دی ماه سال ۱۳۹۹ مبلغ دوازده میلیون و پانصد هزار تومان در ماه را برای حداقل مزد سال ۱۴۰۰ پیشنهاد کردیم. واقعیات زندگی، درستی پیشنهاد ما را نشان دادند! اکنون نیز براساس همان معیار و با توجه به تورم افسار گسیخته‌ی جاری، که نشانی از توقف یا کاهش آن دیده نمی‌شود، اعلام می‌کنیم که مزد حداقل سال ۱۴۰۱ نباید از ۱۶ میلیون تومان در ماه کمتر باشد.

ما به همه کارگران مزدی رشته‌های مختلف صنعت، معدن، راه و ساختمان، حمل و نقل، بندرها، شرکت‌های کشت و صنعت و غیره، به همه معلمان زحمتکش و شریفی که پیش‌تاز مبارزه برای حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی خود و ارتقای امر آموزش هستند، به همه کارکنان بهداشت و درمان که صدها قربانی در انجام پیکار قهرمانانه خود به ضد کرونا دادند، به همه کارکنان دفتری بخش‌های عمومی و خصوصی، به تمام بازنشستگان و به طور کلی به همه مزد و حقوق و مستمیری بگیران پیشنهاد می‌کنیم. خواست حداقل مزد ۱۶ میلیون تومان در ماه را به خواست محوری مبارزات خود در ماه‌های آینده تبدیل کنند. ما از دانشجویان مبارز، روشنفکران پیشرو، روزنامه‌نگاران و دانشگاهیان متعهد دعوت می‌کنیم از مبارزات کارگران برای افزایش مزد بر اساس حداقل دستمزد ۱۶ میلیون تومان در ماه، پشتیبانی کنند. ما همه این نیروها را به ایجاد تشکل‌های مستقل خود و مبارزه متحدانه برای دسترسی به خواست‌هایشان دعوت می‌کنیم. ما همچنین خواستار مقاومت همه کارگران علیه سیاست‌های ضدکارگری مانند مزد منطقه‌ای، مزد توافقی، حذف دستمزد حداقل و برقراری نظام استاد-شاگردی هستیم.

ما به تمام کارگران، تشکل‌های کارگری و مدافعان منافع طبقه کارگر می‌گوییم که تغییر واقعی و بهبود اساسی زندگی مادی و معنوی آنها در گرو تغییر اساسی روابط اقتصادی-اجتماعی، سیاسی و فرهنگی حاکم است و چنین تغییری را هیچ کس به جای آنها انجام نخواهد داد. انجام چنین تغییری بزرگی تنها در صورتی امکان پذیر است که میلیون‌ها کارگر، متحد و متشکل شوند. اکنون سرمایه‌داران و زمین‌داران بزرگ و حامیان آنها هم اهرم‌های اقتصادی و قدرت‌های قضایی، قانون‌گذاری و اجرایی یعنی اداری، نظامی، انتظامی و امنیتی را در دست دارند و برای حفظ موقعیت و امتیازات خود و فرودست نگاه داشتن کارگران از آنها بهره می‌گیرند. طبقه کارگر در این نبرد نابرابر چیزی جز عده بزرگ جمعیت خود ندارد. اما عده زیاد هنگامی کارآیی دارد که با هدف روشن و درست و به صورت متحدانه و سازمان یافته عمل کند. راه چاره‌ی کارگران اتحاد و تشکل است. برای تغییر واقعی و بهبود اساسی با تکیه بر نیروی خود دست به کار شویم!

۱۷ دی ۱۴۰۰

- سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه
- سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه
- کانون صنفی فرهنگیان اسلامشهر
- گروه اتحاد بازنشستگان
- کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل‌های کارگری
- کمیته پیگیری ایجاد تشکل‌های کارگری ایران

پیشنهاد

همراهی با آلترناتیو کارگری در ایران

شورای همراهی با آلترناتیو کارگری در ایران با توجه به شرایط جامعه پا به میدان گذاشت که بتواند به سهم خود برای عملی شدن آلترناتیو کارگری یاری رساند.

کارگران و تشکلهای مستقل کارگری خواست های اساسی و مشترکشان را در بیانیه اول ماه می 1400 اعلام کردند و به ضرورت ایجاد تشکلهای مستقل در محیط کار و نیز ایجاد شورای همکاری بین آنها تاکید نمودند.

در شرایط کنونی کارگران، معلمان، بازنشستگان و ... قدرتمند خواست ها و مطالبات خود را به شکل اعتصاب، تجمع و گردهمائی در خیابانها به نمایش میگذارند.

شورای همراهی با آلترناتیو کارگری در این رابطه، بحث و تبادل نظر جمعی را لازم می داند تا فعالین و طرفداران آلترناتیو کارگری داخل و خارج ایران بتوانند موثرتر و قوی تر در این امر مهم در کنار هم به همکاری و مبارزه مستقل و متحد بپردازند.

از اینرو برای شروع، 13 فوریه 2022 ساعت 18.30 بوقت اروپای مرکزی، 24 بهمن 1400 ساعت 21.00 بوقت ایران، جلسه ای عمومی در کلاب هاوس برای بحث و تبادل نظر جمعی برگزار میشود.

با مشارکت و ارائه پیشنهادات و نظرات خود، یاری رسانیم تا جلسه موثری را با کمک یکدیگر سازمان دهیم.

شورای همراهی با آلترناتیو کارگری در ایران

shorayehamrahi@gmail.com

اعتصاب معلمان، اهمیت تشکل در محیط کار و تشکل یابی سراسری

اعتصابات سراسری معلمان تا به امروز، قدرت مبارزاتی آنها در جهت تحقق خواست هایشان در جامعه ایران را به نمایش گذاشت. گرچه رژیم اقدام به دستگیری بیشماری از معلمان نمود، به صفوف آنها حمله کرد، نیروهای وابسته منجمه انجمن های اسلامی سعی نمودند تا از تجمعات مستقل جلوگیری نمایند و ... اما اعتصابات معلمان با موفقیت برگزار گردید که از پشتیبانی دانش آموزان، خانواده ها و مردم به شکل وسیعی برخوردار شد تا آنجا که رژیم مجبور به آزادی مشروط رسول بدایق گردید.

خواست معلم ها از کف خیابان بعد از ده سال، رژیم را مجبور کرد در مورد آن در مجلس ارتجاع اسلامی عکس العمل نشان دهند. در مقابل اظهار نظرات مجلس، معلمان افشاگرانه با رد پیشنهادات مجلس و با اتکاء به نیروی متشکل و مستقل خود، استوارتر از قبل اعلام کردند تا تحقق خواست های شان کوتاه نخواهند آمد.

تا زمانی که دولت سرمایه داری نئولیبرال ایران، با خصوصی کردن آموزش و بهداشت، تحمیل فقر، لغو قراردادهای دائم، بیکاری، پایین آوردن سطح عمومی آموزش در جامعه، ترک تحصیل و افزایش کودکان کار را بازتولید میکند، بدون شک چنین اعتراضاتی ادامه خواهد داشت.

اعتراضات، اعتصابات و تجمعات معلمان و خواست هایشان از حمایت بیشماری از دیگر اقشار اجتماعی برخوردار شدند و تشکل های کارگری در ایران منجمه سندیکای کارگران شرکت واحد و سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه با صدور بیانیه ای از این اعتصابات حمایت کردند.

اعتراضات اخیر معلمان نشان داد که پتانسیل آن را دارد که در اجتماعی کردن خواست های جامعه منجمه آزادی زندانیان سیاسی و آموزش رایگان دخالت موثر داشته باشند. در بیانیه شورای صنفی معلمان بدروستی بر آموزش رایگان تاکید شده بود.

خصوصی سازی آموزش و بهداشت و افزایش سن بازنشستگی، فقر مطلق دهها میلیون کارگر و مزد بگیر، بیکار سازی و عدم بیمه های اجتماعی در ایران بخشی از فلاکت ناشی از سیستم سرمایه داری حاکم است. بار بحران سرمایه داری بر زندگی کارگران، معلمان، پرستاران، بازنشستگان و بیکاران سنگینی می کند در حالی که سرمایه داری با اتکا به رژیم اسلامی بیشترین سود دهی را در چنین شرایطی به چنگ آورده است.

بدون شک مبارزات و اعتصابات معلمان، بازنشستگان و کارگران نشان داده است که اعتراضات هر چه متشکل تر و سراسری تر و با طرح خواست روشن همراه باشد، می تواند نقش موثری در اتحاد جنبش های اجتماعی ایفا کند. بموازات آن یکپارچه کردن شعارهای اجتماعی منجمه لغو شکنجه و اعدام، آزادی زندانیان سیاسی، خواست آموزش و بهداشت رایگان و تامین معیشت همگانی می تواند فراگیر شدن آن را تسهیل کند. در چنین شرایطی طبقه کارگر با سازماندهی طبقاتی می تواند خواست های اجتماعی را با آلترناتیو کارگری تحقق بخشد.

دی 1400 برابر با دسامبر 2021

شورای همراهی با آلترناتیو کارگری در ایران

shorayehamrahi@gmail.com

جنایتی دیگر توسط رژیم جمهوری سرمایه داری اسلامی بوقوع پیوست!

بر این سرزمین چه می گذرد! مردمانش بر دریای طلای سیاه میخوابند و کل ثروت جامعه را تولید میکنند، اما جاده هایش قتلگاه کارگران و زحمتکشان است!

در سانحه غم انگیز جاده اهواز- خرمشهر دوازه کارگر و زحمتکش کشته و بیست زخمی تابحال بجا گذاشته است. به درستی موجی از خشم و نفرت نسبت به رژیم جنایتکار حاکم در سراسر ایران که جان مردم برایشان ارزشی ندارد، برانگیخته است. این تنها خانواده های جانبازان نیستند که در سوگشان نشسته اند، این درد همگانی مردم ستمدیده در ایران است که نظام حاکم آن نماینده مشتی سرمایه دار مافیای چپاول گر است. این زالو صفتان سرمایه دار، ثروت و منابع را غارت کرده و فقر و تنگدستی را بر کارگران و توده های ستمدیده تحمیل کرده اند. خوزستان را به ویرانه ای تبدیل کرده اند. این اولین بار نیست که چنین حادثه ای اتفاق افتاده است.

منطق حاکمیت سرمایه داری در برابر حق خواهی مردم، زور و کشتار است. در برابر اعتراضات و دادخواهی های مردم، گلوله و قتل عام است.

علاوه بر دستگیری، شکنجه، زندان و اعدام، با خونخواری تمام به اعتراضات و خیزشهای مردمی توسط نیروهای نظامی، امنیتی و یگانه ویژه و انواع و اقسام گروههای سرکوبگرش، با تانک وارد میدان میشوند، فرمان آتش میدهند، به قلب و چشم مردم حق طلب، شلیک میکنند.

اما موج اعتراضی و مبارزاتی اجتماعی مدتها ست براه افتاده است، که می رود ادامه داشته و تواناتر گردد.

هیچگاه خوزستان از پای در نیامده است و پیشتاز مبارزات بوده است و نقش مهمی در اعتراضات سراسری مردم در ایران داشته است. طبقه کارگر و زحمتکشان بارها نشان داده اند که در صفی متحد علاوه بر نفاق افکنی های دستگاه های امنیتی و وابسته حکومتی در برابر نظام جنایت کار، محکم و جسورانه ایستاده اند. اتحاد کارگران و زحمتکشان در ایران که صاحبان واقعی این جامعه هستند، پایدارتر از این است که حاکمان و سرمایه داران برای منافع اشان بتوانند ضربه ای به آن وارد کنند. همبستگی ملت های ساکن در ایران توسط هیچ قدرتی از میان نخواهد رفت، بلکه آنان با یاری و همراهی هم اداره و مدیریت جامعه آتی را بعهده خواهند گرفت.

شورای همراهی با آلترناتیو کارگری در ایران ضمن تسلیت به خانواده های جانبازان، خود را همراه مردم خوزستان دانسته و برای تحقق حقوق پایمال شده آنها و دیگر ملیتها و اقوام در ایران خواهد کوشید.

ضربه به یکی از ما، ضربه به همه ماست!

دی 1400 برابر با دسامبر 2021

شورای همراهی با آلترناتیو کارگری در ایران

shorayehamrahi@gmail.com

ریشه خشونت بر زنان، سرمایه و تقدس مالکیت خصوصی

"روز جهانی محو خشونت علیه زنان"، پنجم آذر، 25 نوامبر است. اما هنوز جهان شاهد خشونت هر روزه بر زنان می باشد و همواره اذیت و آزار در سطح وسیعی رواج دارد.

در جامعه بورژوازی و مردسالاری، خشونت بر زنان در بسیاری موارد، پنهان می ماند. خشونت علیه زنان مرز نمی شناسد و پدیده ای جهانی است. در کل جهان که نظام سرمایه داری حاکم است، وخامت اوضاع اقتصادی و تحمیل سیاست های نولیبرالیسم، بیش از گذشته شکاف طبقاتی و آسیب پذیری اجتماعی بر مبنای جنسیت را افزایش داده است. فقر رو به ازدیاد، زنان را هر چه بیشتر از آموزش و بهداشت، کار و پیشرفت باز داشته و در همه جای دنیا زنان مورد انواع خشونت های جسمی، روانی، جنسی و کلامی قرار میگیرند.

خشونت محصول نظامهای طبقاتی است که در جامعه سرمایه داری برای کسب سود بیشتر تولید و باز تولید میشود. زنان در هر شرایط سنی، قربانی این خشونتها هستند.

زنان علاوه بر مواجهه با خشونت و کار بدون مزد خانگی، در محیط های تولیدی نیز با مزد کمتر مورد خشونت و استثمار مضاعف قرار میگیرند. زنان طیف بسیار وسیعی از نیروی کار را در جهان تشکیل می دهند و با آنکه سود نجومی برای سرمایه تولید میکنند، خود از محروم ترین بخش از نیروی کار و بی حقوق ترین گروه در عرصه اقتصادی، اجتماعی و سیاسی اند.

رقابت، خشونت و تجاوز جایگاهی ساختاری در نظام سرمایه داری دارد. خشونت نمادی از قساوت سرمایه داری مردسالار است، نظامی که مبنایش بر تصرف و مالکیت خصوصی است. به این اعتبار این سرمایه داران هستند که در نهایت از فرهنگ مردسالاری و خشونت بر علیه زنان سود می برند و نه مردها از هر طبقه و قشری. خشونت را باید در این چهارچوب شناخت که مبارزه علیه ستم بر زنان و محو خشونت تنها با از بین بردن مالکیت خصوصی و کار مزدی ممکن می گردد. هر گونه مبارزه علیه تبعیض و خشونت امری لازم است ولی تنها با تشکل و سازماندهی مستقل سیاسی و اجتماعی علیه نظام حاکم می توان جنبش منع خشونت علیه زنان را گسترش داد.

مختارای همراهی با آترناتیو کارگری در ایران

shorayehamrahi@gmail.com

آذر 1400 - نوامبر 2021

پیشروی مبارزات کارگران در گرو اتحاد طبقاتی و گسترش تشکل های مستقل و پایدار است!

در طی دو دهه مبارزات کارگری، کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه و کارگران شرکت کشت و صنعت نیشکر هفت تپه موفق به ایجاد تشکل های مستقل خود در محیط کار شدند و شرایط در جامعه بمرور برای ایجاد دیگر تشکل های فعالین کارگری و تشکل های اجتماعی، با دادن هزینه های سنگین، فراهم شد.

تشکل های مستقل کارگری به شکل جمعی و با دخالت مستقیم کارگران موفق شدند به بخشی از خواست های خود دست یافته و خواست های کل جامعه را بیان کنند. این تشکل ها در بیانیه مشترک اول ماه مه 1400 ضمن تاکید بر ایجاد تشکل های مستقل در محیط کار و ایجاد یک شورای همکاری از تشکلات، در همراهی با دیگر نیروهای اجتماعی تاکید کردند.

در شرایطی که سازماندهی مبارزات کارگری علیه دولت و کارفرمایان امری حیاتی است، نظام سرمایه داری حاکم در ایران از طریق احضار، اخراج، زندان، شکنجه و اعدام به سرکوب مبارزات کارگران ادامه داده و نیز بوسیله شوراهای اسلامی، خانه کارگرو دیگر تشکلهای وابسته به حاکمیت و گسیل دانشجویان بسیجی "عدالتخواه" سعی در به انحراف کشاندن، ایجاد پراکندگی و تفرقه در بین صفوف کارگران دارند.

در این جنگ و جدال طبقاتی علیه سرمایه داری، دولت و کارفرمایان و بخشهای مختلف اپوزیسیون راست و سولیداریت سنتر، مباحث ایدئولوژیک چپ فرقه ای و ضد کارگری سر بیرون آورده و با ایجاد تفرقه بین کارگران، عملن به سدی در راه ایجاد اتحاد و تشکل یابی کارگران تبدیل شده اند. دو قطبی کردن تشکل های کارگری نشان از عدم درک مبارزه طبقاتی است.

نیروی میلیونی طبقه کارگر ضروری است متشکل شود و طبقه ای برای خود باشد تا بتواند هم خود و هم جامعه را آزاد نماید. کارگران در مسیر مبارزه، خود تشخیص میدهند که به چه شکل متشکل شوند تا منافع مستقل خود را بهتر به پیش ببرند. هر قدمی که کارگران بطور مستقل برای ایجاد سازمانیابی خود بردارند، در راستای منافع کل جامعه است و باید مورد حمایت قرار گیرد.

شورای همراهی با آلترناتیو کارگری در ایران

shorayehamrahi@gmail.com

نوامبر 2021 – آبان 1400

در مقابل توحش و بربریت امارات طالبان متشکل شویم!

بیست سال پس از لشکرکشی دولت امریکا به عراق و افغانستان که با ایجاد نظم نوین جهانی سرمایه پس از جنگ سرد صورت گرفت و طالبان در افغانستان از قدرت کنار زده شد، اینک دوباره طالبان با حمایت امپریالیستها تحت عنوان دولت امارات به قدرت رسید.

در باتلاقی که نظام سرمایه داری برای جامعه بشری جهان خلق کرده است، افغانستان نیز از این قاعده مستثنی نیست. سالیان سال است که جامعه افغانستان برای سود آوری بیشتر محل کشاکش قدرتهای بزرگ جهانی و منطقه ای است. نتیجه ی این کشاکش تحت عناوین دفاع از دموکراسی و به اصطلاح مبارزه با تروریسم و کمکهای بشردوستانه جامعه را با بحرانهای بشدت اقتصادی-سیاسی و اجتماعی روبرو نموده است که ماحصل آن فقر مطلق برای اکثریت جامعه است.

میلیاردها دلار صرف ایجاد یک ارتش پوشالی شد تا منافع قدرتهای جهانی را تامین کند. آنچه نصیب مردم ستمدیده افغانستان شد، فقر و فلاکت، بیکاری و بی خانمانی است. اکنون که توحش و بربریت طالبان حاکم شده، ما هرروزه شاهد فرار هزاران نفر به کشورهای همسایه افغانستان و یا کشورهای اروپایی برای یافتن روزنه ای برای ادامه زندگی هستند.

درشرایطی که افغانستان هفتاد و دو درصد مواد مخدر مورد مصرف داروهای عمومی را تولید میکند، اما اکثریت جامعه از دارو و درمان و بهداشت محروم هستند.

کشف و استخراج ذخایر و معادن افغانستان از قبیل لیتیوم مس و سنگهای معدنی برای تصاحب سودهای نجومی سرمایه داران دولتهای منطقه و امپریالیستها از قبیل امریکا، چین، روسیه، پاکستان، ایران، ترکیه، عربستان و ... را بر آن داشته است که در چپاول این گنجینه های سودآور در رقابت با هم قرار بگیرند.

بر سر کار آوردن نیروی مافوق ارتجاعی و فاشیستی طالبان دقیقاً در خدمت به منافع سرمایه داری جهانی و خفه کردن هر صدای آزادیخواهی و سرکوب شدید مردم بویژه زنان افغانستان است، و اینک در تصاحب منابع و ثروتهای موجود در افغانستان با نقشه و طرح ظاهر شده است. بعنوان مثال فیض الله مجاهد سخنگوی رسمی طالبان در لحظه عروج بر اریکه قدرت در نطق معروفش خطاب به دولتهای سرمایه داری اعلام میکند: "که ما بدولتها تضمین و اطمینان میدهیم که افغانستان در آینده تنها تولید کننده مواد مخدر نخواهد بود بلکه ما برای کشف و استخراج معادن و ذخایر زیرزمینی تلاش خواهیم کرد." از این بهتر نمیتوان به سرمایه داری جهانی اطمینان مورد نیازشان را نشان داد.

حال اگر دولتهای دست نشانده و پوشالی کرزای و غنی توان برقراری سکوت و سرکوب دلبخواه امریکا و دولتهای غربی و منطقه ای را نداشتند پس طالبان گزینه ای مناسب است برای دامن زدن به توحش و کشتار بیرحمانه و ممانعت از شکلگیری جنبشهای مترقی و آزادیخواه در افغانستان می باشد. طالبان با اعمال حاکمیت توأم با خشونت و وحشیگری میتواند هم منافع خود و هم منافع سرمایه داری جهانی را از غارت منابع افغانستان که سودهای نجومی را به همراه خواهد داشت تامین نماید.

هر چند سیاستهای امپریالیستها با استفاده از طالبان بر این پاشنه آشیل می چرخد که با دامن زدن به جنگهای قومی و ناسیونالیستی و مذهبی زمینه را برای اختناق، سرکوب و چپاول آماده سازند، اما برای مقابله با این ارتجاع تا دندان مسلح راهی بجز متشکل شدن و سازمانیابی نیست. اعتراضات فعال و جسورانه که امروز در افغانستان جاری است، با متشکل شدن کارگران، بیکاران، جوانان و بویژه زنان افغانستان میتواند در مقابل کل توحش طالبان بایستد.

حال هشیاری و دقت کارگران و مردم ستمدیده افغانستان و بخصوص زنان و نسل جوان لازم است که دریابند که جنگ و دعوا برای پیاده کردن اسلام سنی و شیعه و یا جنگ زرگری پشتون و افغان و ناسیونالیسم و پرچم نیست. فراتر از آن کشمکش بر سر غارت ثروتها و کسب سود و ارزش اضافه مورد نیاز سرمایه داران از طریق نیروی کار ارزان هم در افغانستان است.

سپتامبر 2021

شورای همراهی با آلترناتیو کارگری در ایران

shorayehamrahi@gmail.com

سیاست مرگ آفرین جمهوری سرمایه داری اسلامی در مواجهه با کرونا و کشتار عامدانه کارگران و توده های ستمدیده را متحدن در هم شکنیم!

کشتار رو به افزایش کرونا در ایران یک بار دیگر فروماندگی و ورشکستگی نظام سرمایه داری جمهوری اسلامی را به نمایش می گذارد. نظام حاکم در ایران از آغاز، سیاستهای سرکوبگرانه و جنایتکارانه را در پیش گرفته که نتیجه اش کشته شدن روزانه هزاران نفر بر اثر سرکوبهای امنیتی و ضایعات گوناگون طبیعی و بویژه ابتلا به ویروس کرونا است.

بیش از چهارده سیاست سرکوب اعتراضات اجتماعی توسط رژیم اسلامی با خیزشهای پی در پی بویژه سالهای نود و شش و نود هشت برغم کشتار وسیع معترضان، با شکست روبرو شده است بطوریکه هرروزه شاهد متحد شدن هرچه بیشتر و شکل گیری سازماندهی توده های وسیع کارگران و توده های رنجدیده برای ایجاد آلترناتیو کارگری و نجات تمامی آحاد جامعه هستیم. بحران ساختاری سرمایه داری و سیاست های اقتصاد نئولیبرالیستی در ایران چنان لجام گسیخته و فلاکت بار است که چرخ اقتصاد رژیم اسلامی را به گل نشانده است. ناتوانی در سازماندهی مبارزه با کرونا توسط رژیم جمهوری اسلامی چنان آشکار شده است که شکی در قتل عام عمومی جامعه و ناتوانی برای حل معضلات جامعه ایران باقی نگذاشته است.

مطالبه واکسن استاندارد و رایگان که توسط جنبش کارگری و دیگر جنبش های اجتماعی بیان شده است، خواست فوری عموم جامعه می باشد و می بایست به کارزاری سراسری تبدیل شود تا جمهوری سرمایه داری اسلامی ایران را مجبور به پذیرش خواست واکسیناسیون رایگان و همگانی کند.

سرنگون باد رژیم سرمایه داری اسلامی در ایران

زنده باد آلترناتیو کارگری

اوت 2021

همراهی با آلترناتیو کارگری در ایران

shorayehamrahi@gmail.com

راه جانبافته گان دهه شصت بی وقفه ادامه دارد!

در دهه شصت، رژیم تازه به قدرت رسیده سرمایه داری در ایران، هر صدای اعتراضی، هر تفکر و دگراندیشی، هر عقیده و نظر را برای حفظ قدرت به بهانه های مختلف سرکوب کرد. قبل از روی کار آمدن با فتوای خمینی از نجف، راه مرگ را با آتش زدن سینما رکس در آبادان گشودند و آنرا تا به امروز به انحاء مختلف در میدان های رودرویی در سراسر ایران و به ویژه در استان خوزستان تشنه متجلی نمودند. ارتجاع اسلامی به رهبری خمینی با بسیج عقب مانده ترین اقشار جامعه و پشتیبانی سرمایه داری جهانی به ویژه دولت های امریکا و اروپا، با استفاده از عدم حضور اجتماعی و سیاسی طبقه کارگر، با سرکوب شوراها و سازمانها، سانسور، بستن دانشگاهها تحت عنوان انقلاب فرهنگی، حمله به حقوق اولیه زنان و ... بحران انقلابی را به حاکمیت ضد انقلاب در جامعه تبدیل کردند.

هزاران نفر از زندانیان سیاسی چپ و آزادیخواه توسط رژیم سرمایه داری اسلامی اعدام و تیرباران شدند. اما رژیم به این هم اکتفا نکرد و کسانی را که دارای افکار و آراء مختلف سیاسی، فرهنگی، دینی و قومی بودند را زندانی و شکنجه کرد و برای سرکوب نمودن تمام دستاوردهای انقلاب، کشتار دسته جمعی را به راه انداخت. اما این سرکوبهای وحشیانه نه فقط کمکی به تثبیت رژیم حاکم ننمود بلکه ماهیت شوم ارتجاع و بربریتی که بیش از چهار دهه است بر جامعه ایران سایه افکنده را برای توده های مردم روشنتر نمود. بهمین دلیل، سران سرمایه در رژیم اسلامی هر روز ناتوان تر از روز قبل برای ادامه حیات خود چاره ای جز این ندارند که هر صدای آزادیخواهی را در نطفه خفه نموده و آن را با زندان، شکنجه و اعدام پاسخ دهند. این ستمگران و استثمارگران در طول حیاتشان جز بی حرمتی، سرکوب، فقر و تنگدستی برای اکثریت مردم چیز دیگری به همراه نداشته اند.

کشتار دهه شصت در اذهان جامعه ایران و جهانیان همیشه زنده و پا بر جاست. این فاجعه تاریخی نمادی از مبارزه انقلابی هزاران انسان آزاده ای است که در مقابل ارتجاع تا پُن دندان مسلح مقاومت کرده و از آرمانهای والای انسانی دفاع نمودند. جامعه ایران با قاتلین عزیزانشان روبرو شدند، هیچگاه آنها را برسمیت نشناخته، بلکه کینه طبقاتی خود را به مبارزه بر علیه دشمنان طبقاتی فرزندان خود و توده های زحمتکش مردم تبدیل نموده اند. این قاتلین و دژخیمان، دزدان و اختلاسگران سرمایه داری مطمئن باشند که حفظ قدرت با زور و اسلحه، با کشتار و اعدام نه ممکن است و نه ابدی خواهد بود، این مرتجعین سرمایه باید بدانند ناقوس مرگشان به صدا در آمده است!

کارگران و دیگر بخشهای جامعه به اشکال مختلف بی وقفه به اعتصاب و اعتراض و گردهمایی دست زده و با طرح خواسته ها و مطالبات خود در مبارزه ای پیگیر هر روزه در صحنه اند. اعتصاب کارگران هفت تپه و دهها مراکز کارگری، هپکو، فولاد، معادن، نفت، گاز و پتروشیمی، راه آهن، رانندگان، پاکبران و ... همچنین دیگر بخشهای مزد بگیران، پرستاران، معلمان و بازنشستگان در همصدایی با هم، خواب راحت را از چشمان ارتجاع حاکم ربوده است.

هم اکنون حمید نوری (عباسی) یکی از اعضای هیئت مرگ به ریاست ابراهیم رئیسی در زندان گوهردشت، در دادگاه استکھلم محاکمه می شود و دهها زندانی سیاسی و بازماندگان عزیزی که در دهه شصت و تابستان ۶۷ دسته جمعی اعدام شدند، شاهدان این وحشیگری دستگاه حاکم در ایران هستند. این محاکمه، محاکمه یک فرد نبوده بلکه شروع محاکمه رژیمی است که به وحشیانه ترین شکل، حاکمیت خود را تا کنون به پیش برده است. نتیجه این دادگاه هرچه باشد، برای

نیروهای چپ، مترقی و دمکرات که سالها پیگیرانه به افشاگری و مبارزه علیه این نظام قرون وسطانی پرداخته و آنرا به پیش برده اند، یک پیروزی میباشد.

این رژیم آگاهانه با کمک کرونا تا کنون به قصابی هزاران مردم بی دفاع، به قتل عام عمومی پرداخته است. کماکان زندانهای رژیم، مملو از زندانیان سیاسی است که به اشکال مختلف مبارزه خود را در زندان بی وقفه ادامه داده و خواسته ها و مطالبات به حق خود را در شرایط سخت و ناامن زندانها به پیش برده و میبرند. فقر، بیکاری و بی خانمانی در این نظام گندیده، بیداد میکند.

جواب این رژیم ادامه راهی است که در دی ماه ۹۶ و آبان ماه ۹۸ آغاز گردیده، در خیزشهای خوزستان و دیگر مناطق ادامه یافته و هرروز همبستگی و همراهی مردم علیه کلیت این نظام وسیعتر و پربارتر میشود.

ما انزجار خود را از کشتار، زندان، شکنجه و اعدام اعلام کرده و یاد تمامی عزیزان اعدامی که به فرمان این دژخیمان سرمایه داری به قتلگاه فرستاده شدند را گرامی میداریم. ما از اعتراضات زندانیان سیاسی و دیگر بخشهای جامعه، خواسته ها و اعتصابات کارگری حمایت کرده و در همصدایی و رساتر نمودن اعتراضات با تمام توان تلاش خواهیم نمود و وظیفه خود دانسته که این اعتراضات بحق را هر چه بیشتر بگوش جهانیان رسانده و همبستگی بین المللی را پربارتر کنیم.

از تمامی نیروهای چپ، دمکرات و مترقی خواهانیم که همراه ما در هر شهر و کشور که ساکن هستند به هر شکل و توانی که دارند در کارزار گرامیداشت جانفشانان دهه شصت شرکت نموده و سنگر مبارزه با رژیم اسلامی سرمایه داری در ایران را پربارتر کنیم.

گرامی باد یاد جانفشانان دهه شصت!

سرنگون باد رژیم سرمایه داری اسلامی!

زنده باد خود مدیریتی شورائی!

آگوست 2021

شورای همراهی با آلترناتیو کارگری در ایران
شورای همبستگی ایرانیان با روزاوا - استکهلم
شورای هماهنگی علیه کشتار جمهوری اسلامی (فریاد خاوران)
انجمن سوسیالیستها در سوئد
پلاتفرم دمکراتیک فراملیتی زنان
حامیان مادران پارک لاله - استکهلم
کانون همبستگی با کارگران ایران - کانادا
کانون همبستگی با مبارزات کارگران در ایران - فرانکفورت
کمیته همبستگی با جنبش کارگری ایران- استرالیا
افق زنان در هامبورگ
کانون پژوهشی بامداد
اتحاد چپ ایرانیان واشنگتن
کمیته همبستگی کارگران ایران و سوئد
شورای همبستگی پناه جویان و پناهندگان ایرانی در ترکیه

آبان را به کابوستان بدل خواهیم کرد!

قاتلان حاکم در ایران، دست از جنایت، چپاول، دزدی، دستگیری، زندان، شکنجه و اعدام برنداشته و نخواهند برداشت. تنها راه، ادامه اعتراض، اعتصاب و ایستادن در مقابل خشونت و وحشیگری این سرکوبگران و جانیان است!

دی و آبان، اعتصابات و مبارزات کارگری و دیگر جنبشهای اجتماعی بهترین بیان این واقعیت است که حضور جمعی و به میدان آمدن هر چه بیشتر ما، در کنار هم و ایجاد جنبش اعتراضی و مبارزاتی میتواند این شرایط غیر قابل تحمل اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و ... را تغییر اساسی و پایه ای دهد.

جز خود این مافیا و خانواده سرمایه داری داخل و خارج، کسان دیگری، منفعتی در حفظ و یا اصلاح این دستگاه، نظام و سیستم گندیده ندارند.

دی، آبان ... ادامه دارد!

**باز باید خیابانها را تسخیر کرد!
باید مسلح به تشکل، اتحاد و
اعتراضات جمعی و سراسری شد!
بساط این قاتلان را باید برچید!**

همراهی شورای با آترناتیو کارگری در ایران

آبان 1399 - نوامبر 2020

shorayehamrahi@gmail.com